

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«کلیه ی حقوق اعم از تکثیر ، چاپ ، نسخه برداری ،
اقتباس و ... این پایان نامه ، متعلق به دانشگاه بیرجند است
و هر گونه سوء استفاده از آن پیگرد قانونی دارد . نقل
مطالب با ذکر ماخذ بلامانع است »



دانشگاه بیرجند

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه جهت اخذ درجه ی کارشناسی ارشد

رشته ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان :

نوآوری های مضمونی در شعر جوان دهه ی هشتاد خراسان

استاد راهنما :

دکتر علی اکبر سام خانیانی

استاد مشاور :

دکتر مراد علی واعظی

نگارش :

مهدی رضانی اول باغسیاه

تابستان ۱۳۹۰

تقدیم به:

روان نامیرای خداوندگار سخن، خورشید شعر
خراسان «حضرت فردوسی کبیر» که هزاره ی
شعر پارسی را روشن کرده است .

تقدیر و تشکر :

از چشمه ی تاریکی که در جان من بود تا چراغی افروخته که در دست توست فقط همین چند کلمه فاصله بود، تا بیاموزم...

سلام، سپاس فراوان و فروتنی قلبی من ارزانی استاد فرزانه و ارجمندم جناب آقای دکتر سام خانیانی که در تمامی مراحل این پژوهش از آغاز تا انجام، رهبر، راهنما، و همراه من بوده اند .

از استاد فرهیخته و روشن ضمیر جناب آقای دکتر واعظی که از اشارات و رهنمودهایشان بویژه در مراحل آغازین پژوهش بهره برده ام قدردانی می کنم .

در طول این دو سال از دانش و بینش و منش والای همه ی استادان عزیزم در دانشگاه بیرجند درس ها آموختم. عشق و کوشش ورنج آنها شایسته ی والا ترین سپاس هاست .

از همسرم که همراه و همنفس من در همه ی مراحل انجام این پژوهش بود و سخاوتمندانه، پیشاپیش سهمی شایان از دشواری های زندگی من برای خود کنار می گذارد، صمیمانه و با تمام دلم سپاسگزاری می کنم .

چکیده

بررسی نو آوریهای مضمونی در شعر جوان دهه ی هشتاد خراسان

این پژوهش پاسخ به ضرورتی تاریخی برای معرفی استعدادهای نوظهور و سرمایه های ارزشمند بعضاً مغفول مانده ی شعروادب خراسان است. پژوهش مذکور؛ ابتدا با گزینش نه تن از شاخص ترین چهره های شعر جوان دهه ی هشتاد خراسان بستری برای معرفی و شناخت بیشتر شعر این دوره فراهم کرده و سپس به بررسی نوآوریهای مضمونی در آثار شاعران یادشده پرداخته است. در این پژوهش آثار چاپ شده و برخی آثار انتشار نیافته ی شاعران نیز، مورد بررسی قرار گرفته است. نگارنده با استناد به دستاوردهای جدید نظری در تعریف مضمون و ره یافت های ادبی تازه در خصوص وجه انسانی و اجتماعی متفاوت شعر امروز، فصلهای اصلی پژوهش را ذیل عنوان «مضامین اجتماعی» و «مضامین غنایی»، سامان داده است. مضامین بررسی شده در هر حوزه عبارتند از:

الف. مضامین اجتماعی: ۱- نفی جهان ۲- تنهایی جمعی ۳- فقدان، شهادت ۴- خفقان ۵- جنگ ستیزی ۶- زن ستایی ۷- زلزله ۸- اعتراض

ب. مضامین غنایی: ۱- عشق ۲- سوگ سرایی ۳- زیبایی ۴- غربت ۵- یأس

بررسی تحلیلی آثار نمایندگان شعر دهه ی هشتاد خراسان ضمن آنکه گویای گرایش غالب شاعران به مضامین اجتماعی و سپس غنایی ست، نوآوریهای عمده ای را در شیوه ی پرداخت و بازآفرینی مضامین تجربه شده نشان می دهد. نوآوریهایی که مبتنی بر خلاقیت های زبانی، کوشش برای تجربه آزمایی ها و کشف های تصویری بدیع و مایه گرفتن از فرآورده های مجموعه یافته های علمی و هنری ست. دستاوردهای مضمونی و نمونه آثار درخشان در شعر جوان دهه ی هشتاد خراسان نویدبخش چشم اندازهای روشن برای فردای این قلمرو شاعرزاد و هنرپرور است.

کلید واژه ها: شعر جوان، دهه ی هشتاد، مضمون

فهرست مطالب

۱۱ مقدمه
۱۷ فصل اول: کلیات
۱۷ ۱-۱. جریان شناسی شعر امروز ایران
۲۲ ۲-۱. تأملی کوتاه درباره ی «شعر جوان»
۲۵ ۳-۱. نه شاعر شاخص شعر جوان دهه ی هشتاد خراسان
۳۷ ۴-۱. تعریف نوین مضمون و نوآوری های مضمونی
۴۱ فصل دوم: نوآوری ها در مضامین اجتماعی
۴۱ ۱-۲. وجه غالب اجتماعی مضمون
۴۲ ۲-۲. «نفی جهان»
۴۳ ۲-۲-۱. «نفی جهان» در شعر بروسان
۴۷ ۲-۲-۲. «نفی جهان» در شعر کلاهی اهری
۵۲ ۲-۲-۳. «نفی جهان» در شعر چهکندی نژاد
۵۳ ۲-۲-۴. «نفی جهان» در شعر لگزیان
۵۵ ۲-۲-۵. «نفی جهان» در شعر شاد
۵۷ ۲-۲-۶. «نفی جهان» در شعر دلبری
۵۸ ۳-۲. «تنهایی جمعی»
۵۹ ۳-۲-۱. «تنهایی جمعی» در شعر بروسان
۶۰ ۳-۲-۲. «تنهایی جمعی» در شعر کلاهی اهری
۶۳ ۳-۲-۳. «تنهایی جمعی» در شعر صابری تولایی
۶۵ ۳-۲-۴. «تنهایی جمعی» در شعر چهکندی نژاد
۶۶ ۴-۲. «فقدان، شهادت»
۶۶ ۴-۲-۱. «فقدان، شهادت» در شعر بروسان

- ۷۰ ۲-۴-۲. «فقدان ، شهادت» در شعر نوربخش
- ۷۲ ۲-۴-۳. «فقدان، شهادت» در شعر کلاهی اهری
- ۷۴ ۲-۴-۴. «فقدان، شهادت» در شعر بدیع
- ۷۵ ۲-۴-۵. «فقدان، شهادت» در شعر شاد
- ۷۶ ۲-۴-۶. «فقدان، شهادت» در شعر صابری تولایی
- ۷۷ ۲-۵-۵. «خفقان»
- ۷۷ ۲-۵-۱. «خفقان» در شعر بروسان
- ۸۱ ۲-۵-۲. «خفقان» در شعر بدیع
- ۸۳ ۲-۵-۳. «خفقان» در شعر لگزیان
- ۸۴ ۲-۵-۴. «خفقان» در شعر چهکندی نژاد
- ۸۶ ۲-۶-۶. سوء تفاهم عمیق شعر و جنگ!
- ۸۸ ۲-۶-۱. «جنگ ستیزی» در شعر بروسان
- ۹۲ ۲-۶-۲. «جنگ ستیزی» در شعر کلاهی
- ۹۷ ۲-۶-۳. «جنگ ستیزی» در شعر چهکندی نژاد
- ۹۹ ۲-۷-۷. «زن ستایی»
- ۹۹ ۲-۷-۱. «زن ستایی» در شعر بروسان
- ۱۰۰ ۲-۷-۲. «زن ستایی» در شعر بدیع
- ۱۰۴ ۲-۷-۳. «زن ستایی» در شعر دلبری
- ۱۰۵ ۲-۷-۴. «زن ستایی» در شعر لگزیان
- ۱۰۶ ۲-۸-۸. «زلزله»
- ۱۰۶ ۲-۸-۱. «زلزله» در شعر کلاهی
- ۱۰۸ ۲-۸-۲. «زلزله» در شعر بدیع
- ۱۰۹ ۲-۹-۹. «اعتراض»
- ۱۱۰ ۲-۹-۱. «اعتراض» در شعر بروسان

- ۱۱۱ ۲-۹-۲. اعتراض در شعر کلاهی
- ۱۱۳ ۳-۹-۲. «اعتراض» در شعر سعید شاد
- ۱۱۴ ۴-۹-۲. «اعتراض» در شعر چهکندی نژاد
- ۱۱۶ فصل سوم: نوآوری هادرمضامین غنایی
- ۱۱۶ ۱-۳. ذهنیت غنایی
- ۱۱۶ ۲-۳. «عشق»
- ۱۱۷ ۱-۲-۳. «عشق» در شعر کلاهی
- ۱۲۷ ۲-۲-۳. «عشق» در شعر بروسان
- ۱۳۲ ۳-۲-۳. «عشق» در شعر نوربخش
- ۱۳۵ ۴-۲-۳. «عشق» در شعر بدیع
- ۱۴۰ ۵-۲-۳. «عشق» در شعر شاد
- ۱۴۳ ۶-۲-۳. «عشق» در شعر چهکندی نژاد
- ۱۴۴ ۷-۲-۳. «عشق» در شعر دلبری
- ۱۴۷ ۸-۲-۳. «عشق» در شعر لگزیان
- ۱۴۸ ۳-۳. «سوگ سرایی»
- ۱۴۸ ۱-۳-۳. «سوگ» سرایی در شعر بروسان
- ۱۵۱ ۲-۳-۳. «سوگ سرایی» در شعر کلاهی اهری
- ۱۵۶ ۳-۳-۳. «سوگ سرایی» در شعر خسرو نور بخش
- ۱۵۷ ۴-۳-۳. «سوگ سرایی» در شعر غلامحسین چهکندی نژاد
- ۱۵۸ ۴-۳. «زیبایی»
- ۱۵۸ ۱-۴-۳. «زیبایی» در شعر بروسان
- ۱۵۹ ۲-۴-۳. «زیبایی» در شعر کلاهی
- ۱۶۰ ۳-۴-۳. «زیبایی» در شعر دلبری
- ۱۶۱ ۴-۴-۳. «زیبایی» در شعر بدیع

۱۶۳	۵-۴-۳	در شعر سعید شاد «زیبایی»
۱۶۴	۶-۴-۳	در شعر چهکندی نژاد «زیبایی»
۱۶۵	۵-۳	«غربت»
۱۶۵	۱-۵-۳	در شعر بروسان «غربت»
۱۶۷	۲-۵-۳	در شعر کلاهی «غربت»
۱۷۰	۳-۵-۳	در شعر نور بخش «غربت»
۱۷۲	۶-۳	«یاس»
۱۷۲	۱-۶-۳	در شعر صابری تولایی «یاس»
۱۷۴	۲-۶-۳	در شعر سعید شاد «یاس»
۱۷۵	۳-۶-۳	در شعر کلاهی «یاس»
۱۷۷	۴-۶-۳	در شعر دلبری «یاس»
۱۷۹		نتیجه گیری:
۱۸۲		فهرست منابع

خراسان، جغرافیای فرهنگی پر شکوه ملت ایران است. اقبال بلند این خاک پروردن فرزندان است که از عهد گهواره، شعر چون شیر مادر با خونشان در آمیخته است. فرزانه‌گانی که جویندگان عشق و خرد و مهرورزی بوده اند و دمندگان روشنایی و جنون در خاکستر شعر! وهم ایشانند که در جهانی عبوس و دشوار، آینه‌ی جان و زبان انسان با رؤیاهای پاینده و نامیرایش شده اند و بنیان کاخ مجلل و فنا ناپذیر شعر فاخر پارسی را پی افکنده اند.

این پژوهش مذکور، با تکیه بر اصالت پر عظمت و پیشینه‌ی درخشان این سرزمین کهن در حوزه‌ی شعر و ادب فارسی، به بررسی نوآوری‌های مضمونی در شعر جوان دهه‌ی هشتاد شمسی و بالطبع معرفی نحله‌های شعری زنده اما غالباً مهجور و کناره‌گزین این قلمرو هنرزد می‌پردازد. نگارنده بر آن است با بررسی آثار سخن‌سرایان جوان برجسته‌ی دهه‌ی هشتاد خراسان، ضمن معرفی این چهره‌های درخشان که به دلایل مختلف تنها در برخی محافل انجمنی و در میان مخاطبان کم‌شمار شناخته شده‌اند، منبع مدونی به فرصت‌های احتمالی مطالعاتی آینده در حوزه‌های دانشگاهی و ادبی پیشنهاد کند.

لازم به ذکر است؛ اطلاق عنوان شعر جوان به آثار بررسیده در این پژوهش مذکور به این دلیل است که سراینندگان آن هم از نظر سنی وهم به لحاظ تجربه‌ی حرفه‌ای و سیر حرکت ادبی در فصل شکوفایی و بالندگی قرار دارند و مراحل آغاز فعالیت ادبی خود را می‌گذرانند. البته حضور ارجمندان هم‌چون «محمد باقر کلاهی اهری» و «غلامحسین چهکندی نژاد» در این فهرست نه به دلیل دوره‌ی سرایش و شرایط مشابه سنی با دیگر شاعران مورد بحث بوده است؛ بلکه به لحاظ قرابت‌های سبکی و زبانی و همراهی و همسویی ایشان با جریان شعر جوان خراسان است. از سویی ظرفیت‌های تحول‌آفرین در متن آثار این دوتن و بویژه «کلاهی اهری» بی‌تردید الهام بخش جریان شعر جوان دهه‌ی هشتاد خراسان بوده است. شاعران شاخصی که در این پژوهش آثارشان مورد بحث قرار گرفته است عبارتند از: ۱- خسرو نوربخش (مشهد) ۲- محمد سعید شاد (مشهد) ۳- رضا بروسان (مشهد) ۴- علیرضا بدیع (نیشابور) ۵- ابراهیم لگزیان (نیشابور) ۶- حسن دلبری (سبزوار) ۷- محمد صابری تولایی (نیشابور)

۸- غلامحسین چهکندی نژاد (بیرجند) ۹- محمد باقر کلاهی اهری (مشهد) شاعران مذکور که به باورنگارنده طلایه داران شعر جوان دهه ی هشتاد خراسان به شمار می روند؛ هر کدام واجد ویژگی و شاخصه های ارزشمند ادبی هستند و با حضور درخشان در محافل رسمی و غیر رسمی ادبی خراسان، جایگاهی برتر و ممتاز، کسب نموده اند. «شاد»، «بدیع»، «لگزیان» و «دلبری» در قالب غزل نوآوری های مضمونی چشمگیری داشته اند؛ «نوربخش» و «صابری تولایی» با گرایش به سمت تکنیک های زبانی، پرداخت متفاوت و خلاقانه و کشف های تصویری برخی مضامین تجربه شده را به وجهی بدیع، بازآفرینی کرده اند ضمن آن که خسرو نوربخش داعیه دار خلق مکتبی نودر شعر نئوکلاسیک به نام «مکتب مشهد» نیز هست.

شعر فاخر «کلاهی» غنی از نوآوری های مضمونی و تصاویر بدیع است و «غلامحسین چهکندی نژاد» هم در نگاه تازه به مضامین شعری، شهرت بسزایی دارد. البته همانگونه که اشاره شد جدا از نزدیکی فضای شعر کلاهی اهری و چهکندی نژاد به فضای شعر جوان، تأثیر آنها بر جریان های دهه ی هشتاد و بویژه شاعران جوان سپیدسرای خراسان غیر قابل انکار است. «غلامرضا بروسان» برنده ی جایزه ی «کتاب شعر سال کشور» در سال ۱۳۸۵ از سوی خبرنگاران حرفه ای است. بروسان که جایزه ی خود را از دست محمود دولت آبادی و شمس لنگرودی دریافت کرد، از اوایل دهه ی هشتاد حرکت وسیعی در حوزه ی شعر آزاد خراسان آغاز کرده است.

«بررسی نوآوری های مضمونی در شعر جوان دهه ی هشتاد خراسان» موضوعی کاملاً جدید است و هیچگونه سابقه ی پژوهشی در مبحث مذکور، وجود ندارد. انجام پژوهشی جامع در حوزه ی شعر دهه ی هشتاد خراسان و بررسی نوآوری های مضمونی آن به گونه ای که بتواند منبع قابل اتکایی برای شناخت و معرفی نحله های شعری، نمایندگان شعر جوان خراسان و شناسایی قابلیت ها و ویژگی های شاخص شعر این دوره فراهم کند، ضروری است.

نتایج انجام چنین پژوهشی همانگونه که اشاره شد ایجاد فرصتی برای شناخت بیشتر استعداد های شعر جوان دهه ی هشتاد خراسان و تحلیل رویکردهای مضمونی شاعران این دوره است؛ ضمن آنکه توجه به جریان های ادبی پرمایه اما حاشیه نشین و گمنام به نوعی رسالت محافل دانشگاهی و به ویژه دانشجویان زبان و ادبیات فارسی است. محصول این پژوهش کاملاً کاربردی است و نگارنده بر آن است با ارائه ی شاخص و منبع به جامعه ی ادبی گنجینه ای از آثار پراکنده را

با ذکر ویژگی‌های مضمونی، گرد هم آورد و نمایندگان برجسته‌ی امروز شعر جوان خراسان را معرفی کند. بی تردید یافته‌های حاصل از این پژوهش، می‌تواند مورد استفاده‌ی اساتید و دانشجویان ادبیات فارسی، محققان حوزه‌ی تاریخ ادبیات، مراکز تحقیقی و پژوهشی درحوزه‌ی ادبیات، انجمن‌های ادبی و عموم علاقه‌مندان شعروادب فارسی قرار گیرد.

بررسی مهم‌ترین مضمون‌های مورد استفاده در شعر این دوره و تحلیل کیفیت و شکل نوآوری‌های انجام شده رویکرد اصلی این پژوهش بوده است. لازم است که اشاره کنم؛ عمده‌ی مراحل تحقیق و گردآوری اطلاعات و آثار مورد نیاز، به صورت میدانی و در نشست‌های حضوری با شاعران یاد شده انجام گرفته است. البته از اندک منابع کتابخانه‌ای نیز که در این زمینه موجود بوده، استفاده شده است.

انجام پژوهشی بدیع و دشوار با چنین حجم گسترده‌ای و اساساً ورود به عرصه‌ی شعر جوان دهه‌ی هشتاد که هنوز مرحله‌ی شکوفایی و بالندگی خود را می‌گذراند؛ خالی از نقایص احتمالی و خطاهای اجتناب‌ناپذیر نخواهد بود. اما نباید از یاد برد که حمایت گروه محترم ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه بیرجند و مسئولان آموزشی فرهیخته‌ی این دانشگاه از انجام چنین تحقیقاتی، می‌تواند زمینه‌ساز شناخت جریان‌های زنده‌ی ادبی امروز، جهت دهی علمی به فعالیت‌های ادبی جوان و سرآغازی برای انجام پژوهش‌های کاربردی و روزآمد، در حوزه‌ی شعر امروز باشد.

مفتخرم که تأکید کنم برای انجام پژوهش فرارو، در تمامی مراحل از راهنمایی‌های روشن‌گرانه و حمایت‌های بی دریغ استاد معزز و فرزانه، جناب آقای دکتر سام خانیانی و همچنین اشارات ارزشمند استاد ارجمند، جناب آقای دکتر واعظی بهره گرفته‌ام.

رؤیایی بلند است؛ اما سخت امید دارم که آینه‌داری من از نمودها و نمونه‌های سرآمد شعر امروز خراسان که سراینده‌های غالباً درپرده‌ی مهجوریت خودخواسته‌اند و اکنون در انزوایی بزرگ به سر می‌برند؛ مبارک افتد! شاید اینگونه، ناتوانی قلم‌نگارنده در قوس و قزح رشک برانگیز شعر و سخن‌گران ارزش این ارجمندان ملک ادب و دارندگان طبایع گوهر زاد، فروغی مقبول یابد و از تأیید صاحب نظران و استادان فرزانه بگذرد.

روش پژوهش

بعد از اشارات کلی به جریانهای شعری امروز و بررسی اجمالی وضعیت شعر جوان و توضیحات ارائه شده پیرامون مضمون در فصل اول، تبیین نوآوری ها و ذکر نمونه های شعری در دو فصل کلی، سامان داده شده است. در این تقسیم بندی برخی مضامین ذیل عنوان اجتماعی بررسی شده اند؛ نگارنده بانگاهی به «نظریه ی درک حضوردیگری» از «محمد مختاری» و با توجه به کارکردهای پررنگ اجتماعی و حضور متفاوت ارزشهای جمعی در مضمون و محتوای شعر این دوره، این تقسیم بندی را پیشنهاد کرده است.

مختاری می گوید: «در مرکز نواندیشیهای دوران ما نیز، گرایش تازه ای به انسان، با مشخصه هایی قابل شناخت و تشخیص، در حال رویش و رشد است. و شعر مایکی از سزاوارترین عرصه های پدیدار شدن این ویژگی است. اما اگر اصل درک و تصویر انسان در شعر، یک دستاورد قدیم است، درک و تصویر انسان بایک ویژگی اساسی، یکی از نمودارهای اصلی نوظهور در شعر معاصر است. من این ویژگی و نمود جدید را «درک حضوردیگری» نام می گذارم. و آن را از اعتقاد به قدرت و حق و شأن و حضوردیگری جدانمی انگارم. این گرایش، طبیعی ترین و بدیهی ترین واکنش ذهنی نواندیشان و شاعران مانسبت به موقعیتی اجتماعی و تاریخی است که متاسفانه عملاً ارزش و حیثیت آدمی را از هر چیزی فروتر داشته است. موقعیتی که در آن، به رغم سنت انسان دوستانه ادبیات کهن ما، نفی حضور و حرمت و قدرت و حق و شأن بعضی ها بوده است.» (مختاری، ۱۳۷۱: ۳۲-۳۱)

محمد مختاری در تکمیل این نظریه اشاره می کند که «گرایش نو به انسان» که در شعر معاصر مطرح است با «انسان دوستی سنتی» متفاوت است و از دل این تفاوت، ظرفیت ها و ذهنیت های نو برای ترسیم خطوط چهره ی انسانی شعر امروز خلق می شود. (همان)

البته روشن است که عبور از تقسیم بندی سنتی «انواع ادبی» که توسط «شمیسا» مطرح شده است به علت نقایص و محدودیت ها و به ضرورت پدید آمدن جریانها و نظریه های تازه در حوزه شعر فارسی، اجتناب ناپذیر خواهد بود. دلایل دیگر این تقسیم بندی که تکلمه ی بحث مذکور نیز، هست، در مقدمه ی فصل مضامین اجتماعی با عنوان «وجه غالب اجتماعی» به تفصیل، توضیح داده شده است.

جواد مجابی، نویسنده و منتقد ادبی مشهور نیز در کتاب «سایه دست» با تأکید بر تحول و تغییر مضمون در شعر معاصر معتقد است «گاه شرایط اجتماعی خاص مانند انقلاب، ایام جنگ و بعد از آن، شاعران را به تبلیغ وضعیت خاص اجتماعی می کشاند و اساساً مشخصات این دوره ها و شرایط اجتماعی در شعر اینان انعکاسی تمام دارد» (مجابی، ۱۳۷۸: ۳۱)

بدیهی است که درچنین وضعی تأثیر دریافت ها و اثرات گرایشات اجتماعی شاعر حتی به دامنه ی برخی مضامین غیر اجتماعی نیز، سرایت کرده باشد. فصل مضامین «غنائی» (Lyric) نیز با توجه به همان تقسیم بندی سنتی انواع ادبی و تعریف شعر غنائی در این دیدگاه، سامان داده شده است:

«شعرغنائی (Lyric) با احساسات و عواطف شخصی و به طور کلی «من» شاعر مربوط است و طیفی وسیع از معانی و مضامین شاعرانه را به خود اختصاص می دهد: از عشق و جوانی تا مرگ و پیری، غمها و شادیهای ناشی از حوادث روزگار، علایق انسان نسبت به خدا و خلق، وطن پرستی، مدح، هجو، خمیریات، وصف طبیعت و شهرها... و به همین جهت شعر غنائی دامنه دارترین انواع شعر فارسی ست». (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۱۵۰)

نا گفته پیداست به دلیل نبودن موضوع این پژوهش و عدم وجود سابقه تحقیقی در این زمینه عمده ی تکیه ی نگارنده بر مصاحبه ها، گفتگو ها و نشست های حضوری با شاعران مورد بحث بوده است، تحقیقات میدانی وسیعی از مراحل گزینش تا گردآوری نمونه های اشعار و تطبیق یافته های نگارنده با نظریات و پیشنهادات شاعران مذکور، انجام شده است. گزینش این نه تن به عنوان نمایندگان شاخص شعر امروز خراسان نتیجه ی دقت و وسواس فراوان و کسب نظر صاحب نظران، کارشناسان، شاعران و تجربه ی حضوری نگارنده در محافل و نشست های ادبی بوده است. برخی از نمونه شعرها که با لطف، حسن نظر و مساعدت شاعران ارجمند در اختیار نگارنده برای استفاده ی پژوهشی قرار گرفته هنوز انتشار نیافته است و لازم است ضمن ابراز سپاس قلبی از حسن همراهی و اعتماد این دوستان بزرگوار، تأکید کنم که نقل قول ها، نظریات و اشعار چاپ نشده ی شاعران مورد بحث با عبارات (به نقل از مصاحبه) یا (منتشر نشده) در این پژوهش مشخص شده اند؛ که حفظ امانت و دقت و صداقت در حفظ و انعکاس صحیح این آثار برعهده ی نگارنده است. طبیعتاً وقتی دامنه ی پژوهشی، شامل آثار شاعران جوانی ست که غالباً، متعلق به

جریانهای محفلی و انجمنی هستند و حدود فعالیتشان در این مختصات است، از رجوع به برخی آثار منتشر نشده ی آنها، گریزی نیست.

توضیح نکته ی دیگری نیز ضروری است؛ در این پژوهش از دو کتاب «ازنو تازه شویم» و «کاش» که منتشر شده در دهه هفتاد هستند، نمونه شعرهایی انعکاس یافته است؛ همانطور که در مقدمه و شرح حال شاعران اشاره شد؛ شعر کلاهی مادر و الهام بخش همه ی جریانات شعری آزاد خراسان در دهه ی هشتاد بوده است. ضمن آنکه به دلایلی، از جمله نایاب بودن کتاب های شاعر در دهه ی هفتاد و همچنین مهجوریت او در این دهه، رویکرد به شعر کلاهی و بازخوانی آثارش و همچنین ترتیب دادن گزیده هایی از اشعار وی، توسط شاعران جوان خراسانی در دهه ی هشتاد اتفاق افتاده است. تأثیرات شعر او نه متعلق به دوره ی سرایش، بلکه مشخصاً مربوط به دهه ی اخیر است. لذا به نمونه شعرهایی از این کتابها با ذکر همان تاریخ انتشار اولیه، در این پژوهش اشاره شده است.

فصل اول: کلیات

۱-۱. جریان شناسی شعر امروز ایران

بحران درحوزه ی نظریه پردازی و نقد ادبی در دهه های اخیر به تشّت آشکار و پراکندگی دامنه دار جریان های شعری امروز ایران انجامیده است. انبوه نحله های بی ریشه، جریانهای بی مادر و مکتب های بی شناسنامه از هر گوشه سر برداشته اند و با غوغا درافکنی مدعیان پرگوی خود، صحنه ی ادبیات امروز را، آشفته اند. پیامبران دروغین شعر، خود را به رسالتی تاریخی مبعوث می دانند و بیهوده برای تردستی های عوامفریب کم مایه ی ادبی خود منزلتی همپایه ی معجزات آسمانی قائلند! متأسفانه رویکرد بدبینانه و ایستای محافل آکادمیک و برنامه ریزان آموزشی که هنوز گرایش به سمت طرح، شناخت و تحلیل جریانهای نوظهور شعر فارسی رانوعی معارضه یا تهدید اقتدار جریان ادبی سنتی حاکم بر فضای علمی می دانند؛ از یک سو ورها شدگی و غربت حوزه ی ادب و فرهنگ از سویی دیگر، به این آشفتنگی ادبی دامن زده است.

در حال حاضر منابع تحلیلی معتبر و قابل استنادی که با درک اقتضائات و تفاوت های شعر امروز و شعر کهن، دستاوردی در حوزه ی جریان شناختی شعر امروز عرضه کرده باشند، کمیاب و چه بسا نایاب است. البته یکی از دلایل این امر می تواند اعتقاد به همان باور جمعی باشد که داوری و نقد عمیق جریانها و آثار ادبی را منوط به گذشت زمان و تکمیل سیر تطورتاریخی آن، می داند به این معنا که باید هر جریان ادبی مراحل شکوفایی، بالندگی و پختگی را طی کند و با محک تجربه ی تاریخ و دریافت و اقبال مخاطب عام و خاص آزموده شود؛ تا بتوان درباره ی آن داوری دقیق و ارزیابی عالمانه کرد.

به هر حال می توان فهرست واربه چند جریان مهم شعری که ظهور و تبلور درخشانتری در میان جریانهای نوظهور ادبی داشته اند؛ اشاره کرد. البته این اشاره به معنای تأیید یارد، یا به منزله ی پذیرفتن هر کدام به عنوان یک گونه ی ادبی تثبیت شده و «قبول خاص و عام یافته» نیست بلکه تنها معرفی سطحی و مختصر مشهورترین جریان های ادبی فعال در صحنه ادبیات امروز ایران است.

موج نو

نماینده ی شاخص جریان شعری موسوم به «موج نو»، «احمد رضا احمدی» است، شاعری که از او در مقاطعی به عنوان یک نابغه و یک استعداد درخشان یاد می شد و حتی بزرگانی مانند فروغ نیز در اوان نوجوانی از شعر او ستایش های مبالغه آمیز کرده اند. شعر «موج نو» فرمی نثری و رها شده دارد. ساختاری ظاهراً از هم گسیخته که در آن نمادهای نیمه تمام مفهوم نیافته، کلمات نا آشنا و تصاویر پراکنده، جزء به جزء کنار هم قرار می گیرند اما در نهایت شاعر نوعی منطق و شعور شاعرانه بر اجزای آن حاکم می کند. «براهنی» در توضیح شعر احمد رضا احمدی می نویسد «دنیای احمدی، دنیای زیبایی های قرار دادی با ابعاد قرار دادی نیست؛ تصدیق می کنم اشیاء احمدی، به هیئتی قراردادی به چشم نمی خورند و احمدی در مورد شکل اشیاء و برداشت در کلام، عینا مثل آدمی است که روی دستها راه می رود و از پایین که نگاه می کند ابعاد آدمها و اشیاء را واژگونه می بیند تصدیق می کنم که جهان بینی غیر عادی و غیر طبیعی احمدی، باید به دنبال فرمی غیر عادی و غیر طبیعی نیز بگردد» (براهنی، ۱۳۵۸: ۶۲۴)

شعر حجم، اسپاسمانتالیسم (Spacementalism)

این جریان که خود را جنبش معاصر شعر فارسی می داند؛ با محوریت «یداله رویائی» حضورش را در صحنه ی ادبیات ایران، اعلام کرده است. رویائی در شعر حجم پیشنهاد می کند: «وابستگی به چیزها چیزی است که باید کاملاً از شعر غایب باشد، شعری در تعارض با تمام تاریخ خود، هر چند کهن، تا خود را وقف عصر تازه ای از واژه با وصیت عهد جدید کند. شاعر با این طرز فکر، اثری از وابستگی خود به چیزها، اثری در پشت سر باقی نمی گذارد تا به مدد ارجاعی خارج از زبان، خوانش معینی از شعر خود را دیکته کند. بر عکس «اسپاسمانی» از ناگفته برجای

می گذارد، حجمی ذهنی در عبور از حیات زبانی شعر و نیز عبور از حیات زبانی شاعر، البته اگر وجود داشته باشد، زیرا که حیات زبانی شاعر به وجود نمی آید، مگر در بطن سکوت خود گرای متن (زبان در بطن زبان). دقیقاً با همین زبان شعر متولد در داخل زبان است که بینشی اسپاسماتال با طرد واقعیت، واقعیت دیگری می آفریند؛ بسیار فشرده تر، بسیار گسترده تر و بسیار ارجاع دهنده تر، هم به آن «من» مضمر و هم به جهان بیرون. این گونه است که نه حذف ارجاعات بیرونی و نه خود ارجاعی زبانی هرگز به معنای رها کردن معنی یا حذف «یعنی» نیست. برعکس، شعر در «یعنی» است که خود را به خطر می اندازد.» (رویائی، ۱۳۸۶: ۱۷)

البته تفصیل و تشریح تئوری پیچیده ی زبانی شعر حجم، نظریات رویایی و همچنین مبهمات و پرسشهایی که بر جا می گذارد؛ مجالی دیگر می طلبد. از منظری دیگر می توان «شعر حجم» را در کنار جریان موسوم به «موج نو» و کلیه ی جریاناتی که خوانشی زبان شناختی از شعر دارند، بررسی کرد.

شعر زبانی

«رضابراهنی» منتقد برجسته ی ادبی که از جایگاه برجسته و ویژه ای در میان شاعران و صاحب نظران ادبی قبل و بعد از انقلاب برخوردار است در اواخر دهه ی شصت به برپایی کارگاه های تخصصی شعر، همت گماشت. بسیاری از چهره های سرشناس شعر جوان دهه ی هفتاد محصول کارگاه های ادبی رضا براهنی بودند. براهنی با فراخوانی تئوری های زبانی به فضای شعر و اجرایی مکانیکال و با نوشتن مجموعه هایی مانند «چرا من دیگر شاعر نیمایی نیستم» و «خطاب به پروانه ها» سردمدار جریانی شد که بعد ها به «شعر زبانی» شهرت یافت.

شعر انقلاب

این جریان شعری، طیف گسترده ای از شاعران مذهبی مستقل بالیده در فضای ادبی پس از انقلاب ۵۷ تا گروه های گره خورده با نهاد های رسمی و حاکمیت سیاسی را شامل می شود. عموماً این جریان با برجسته کردن ویژگی های اجتماعی و فرهنگی جامعه و ترویج و تبلیغ ارزشهای مورد اقبال نظام سیاسی موجود، در فضای ادبی تنفس کرده است. شاید شاخص ترین نماینده ی این جریان ادبی مرحوم قیصر امین پور باشد.

شعر دهه ی هفتاد

جریان ادبی موسوم به «دهه ی هفتاد» مدعی است با درک و در خود کشیدن سنت شعر فارسی و ترکیب آن با شرایط و مسائل جدید به نتیجه ای تاریخی دست یافته و دستاوردهای جدیدی عرضه کرده است نمایندگان مشهور این جریان ادبی «حافظ موسوی»، «علی بابا چاهی»، «بهزاد خواجهات»، «ابولفضل پاشا»، «علی عبد الرضایی»، «پگاه احمدی»، «مهرنوش قربانعلی» و «رسول یونان» هستند البته جریان مرسوم به «دهه ی هفتاد» بیشتر از هر جریان ادبی به تبلیغ خود دست زده است اما ظاهراً مقبولیتی در حد دیگر جریانات نیافته است. به هر حال این امیدواری وجود دارد که پژوهشی علمی و دقیق با نظارت کارشناسانه به جریان شناسی شعر امروز ایران بپردازد و خلاء های بزرگ تئوریک در این حوزه را سامان دهد.

به موازات ظهور و حضور این جریانات شعری در حوزه ی نظریه پردازی ادبی هم دیدگاه هایی اعلام موجودیت کرده اند که قابل مطالعه و تأملند؛ از معدود جستارهای جریان شناختی در این ارتباط، می توان به مباحث مطرح شده در کتاب ارزشمند «زبان شناسی شعر، ره یافتی نقش گرا» نوشته ی «مهران مهاجر» و «محمد نبوی» اشاره کرد. مهاجر و نبوی، واپسین کوشش های صورت گرفته برای تبیین شعر امروز را در سه نگاه کلی خلاصه می کنند. سه نگاه کلی که می تواند دربرگیرنده ی همه ی جریانات شعری امروز ایران باشد. آنها معتقدند «شفیعی کدکنی» «علی محمد حق شناس» و «داریوش آشوری» از جمله کسانی هستند که در پی ریزی بنیاد نظری شعر، به طوری که بتواند همه ی گونه های آن و از جمله گونه های نو را دربر گیرد، نگرش های تازه ای عرضه کرده اند. در این کتاب به طور مفصل این سه نگره که از پایه ی نظری محکمی برخوردارند تشریح شده است که خلاصه وار به قسمت هایی از آن اشاره می شود.

«۱- شفیع کدکنی «نظم» را به «نظام» گسترش می دهد، و در این معنی هر شعری رانظمی می داند که بر موسیقی بنا شده است- البته موسیقی ای با «معنایی فزون تر از عروض و قافیه که گاه به مرز های ساخت و صورت یا جلوه هایی از این دو مفهوم گسترش می یابد. وی معتقد است که شعر چیزی نیست جز شکستنِ نرمِ زبانِ عادی و منطقی. این کلام باید دارای نظام باشد، آن گونه که بتواند در عین «رسانه گی» «معنایی مابعدی» را تولید کند. هر قدر «نظام» پیچیده تر باشد،